خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۱۲ دی ۱۳۹۴ . ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۵۶

جدیدترین اثر احمدی منتشر شد

کتاب «اسب و سیب و بهار» اثر احمدرضا احمدی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. به گزارش فارس، احمدرضا احمدی در کتاب «اسب و سیب و بهار»، تجربه و لذت با هم بودن را برای مخاطبان نوجوان بیان می کند. این کتاب تازه‌ترین اثر این نویسنده مشهور است که با تصویرگری راشین خیریه آراسته شده است. این کتاب با شمارگان ۵ هزار نسخه و قیمت ۸ هزار و ۷۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

از رمان جنایی آگاتا کریستی تا «چرند و پرند» دهخدا

انتشار ۱۶۰ عنوان کتاب ادبی در هفت روز

از دوم تا هشتم دی ماه ۱۶۰ عنوان کتاب ادبی منتشر شد. «قتل خانم مک گینتی» نوشته آگاتا کریستی در نشر ثالث انتشار یافت و نمایشنامه «شبح سدوم» جواد مجابی از سوی انتشارات افراز به دست مخاطبان رسید. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) از دوم تا هشتم دی ماه ۱۶۰ عنوان کتاب ادبی منتشر شد. ۸۵ کتاب چاپ اولی و ۷۵ کتاب تجدید چاپ بود. از این میان ۱۰۵ کتاب تألیفی و ۵۵ کتاب ترجمه از متون خارجی محسوب می‌شود. ۱۴۸ کتاب در تهران به چاپ رسید و در این بین تنها ۱۲ کتاب سهم ناشران شهرستان بود. ۱۹ کتاب در حوزه کودک و نوجوان انتشار یافت و ۱۵ کتاب کمک آموزشی به ویترین کتاب‌فروشی‌ها آمد.

■ داستان خارجی

«سوختن در آب، غرق شدن در آتش» نوشته چارلز بوکوفسکی با ترجمه پیمان خاکسار و ویرایش احمد پوری از سوی نشر چشمه به چاپ ششم رسید. «مروارید» جان ارنست اشتاین بک با برگردان محمد جعفر محجوب عنوان داستان‌های آمریکایی است که در انتشارات علمی فرهنگی به چاپ سوم رسید.

«نامه‌ای از پکن» نوشته پرل سایدن استریکر باک با برگردان بهمن فرزانه در همین انتشارات برای دومین بار بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها نشست. «شهر شیشه‌ای» پل استر با ترجمه شهرزاد لولاچی در نشر افق به بازار آمد. «سفر در اتاق تحریر» همین نویسنده نیز با ترجمه مهسا ملک مرزبان در همین انتشارات به دست مخاطبان ادبیات داستانی رسید. «داستان کریسمس اوگی رن» استر نیز در هفته گذشته در انتشارات نیلا با ترجمه بابک تیرانی برای سومین بار زیر چاپ رفت. «قتل خانم مک گینتی» نوشته آگاتا کریستی، با ترجمه جمشید اسکندانی در نشر ثالث انتشار یافت و «پرنده آبی» موریس مترلینگ ترجمه عبدالحسین نوشین از سوی انتشارات علمی فرهنگی به چاپ دوم رسید. «لایم لایت» روژه گرونیه با ترجمه رضا سیدحسینی در انتشارات امیرکبیر نیز تجدید چاپ شد. «بیگانه» آلبر کامو با ترجمه مشترک جلال آل احمد و علی اصغر خبره‌زاده برای چهاردهمین بار در مؤسسه انتشارات نگاه، زیر چاپ رفت. «همه گرفتارند» کریستین بوبن با ترجمه فرزانه مهری در نشر ثالث انتشار یافت. «کاش کسی جایی منتظرم باشد» از آنا گاوالدا با ترجمه ناهید فروغان در نشر ماهی برای سومین بار به دست علاقه‌مندان رسید.

«گزارش یک قتل از پیش اعلام شده» گابریل گارسیا مارکز با ترجمه کیومرث پارسای در انتشارات آریابان برای ششمین بار به دست رمان‌خوان‌ها افتاد. «کتاب دلواپسی» فرناندو پسوا با برگردان جاهد جهانشاهی در مؤسسه انتشارات نگاه چاپ دوم شد. «تمام شب در کنار هم» داستان‌های دیگر از نویسندگان یونانی» با ترجمه قاسم صنعوی از سوی نشر دوستان به بازار آمد. «دختر سروان» الکساندر پوشکین با ترجمه پرویز ناتل خانلری در انتشارات علمی فرهنگی به چاپ سوم رسید. «اعتراف» لی‌یف نیکولایویچ تولستوی با ترجمه آبتین گلکار و ویرایش خشایار دیهیمی در انتشارات گمان به چاپ سوم رسید. «زندگی من و یک داستان دیگر» آنتوان چخوف با ترجمه جهانگیر افکاری در انتشارات علمی فرهنگی به چاپ پنجم رسید. «آن روزها» از طه حسین با ترجمه حسین خدیوجو در همین انتشارات به چاپ دوم رسید. «انتقام» (۱۱ داستان سیاه) یوکو اوگاوا ترجمه کیهان بهمنی در انتشارات آموت به چاپ دوم رسید.

■ نمایشنامه

«گل‌های میخک و دو نمایشنامه دیگر» اثر ریموند کارور با برگردان اسدا... امرایی در نشر افراز چاپ دوم شد. نمایشنامه «خانه برنارد آلبا» نوشته فدریکو گارسیا لورکا با ترجمه محمود کیانوش در نشر قطره برای هفتمین بار به بازار آمد. نمایشنامه «شبح سدوم» جواد مجابی در انتشارات افراز منتشر شد.

■ شعر فارسی

«گلچین اشعار رودکی» و «دیوان اشعار ناصرخسرو» و «رباعیات حکیم عمر خیام» به ترتیب در انتشارات وشاق، حسام و آهنگ فردا انتشار یافت. «گزیده دیوان شمس تبریزی»، «رباعیات مولانا شمس تبریزی» و «غزلیات مولانا شمس تبریزی» در انتشارات هلیا به بازار آمدند. «دیوان حافظ» در کارگاه فیلم و گرافیک سپاس تجدید چاپ شد. از میان شعر شاعران جوان «یه روز یه عاشقی بود» رسول یونان در نشر نیماژ انتشار یافت. «پس از عبور درناها» و «بال‌هایش را کنار شعرم جا گذاشت و رفت» سروده واهه آرمن در نشر ادبی الف بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها نشست.

■ پژوهش و نقد ادبی

«حافظ ناشنیده پند» ایرج پزشک زاد در نشر قطره به چاپ سیزدهم رسید. «آشنایی با جامی» از علی‌رزاقی شانی در انتشارات تیرگان به بازار آمد. «آشنایی با محتشم کاشانی» و «آشنایی با ملک‌الشعرا بهار» نیز در همین انتشارات و به قلم همین نویسنده به دست ادب دوستان رسید. «آشنایی با میرزاده عشقی» نوشته زینب یزدانی در انتشارات تیرگان منتشر شد. «از روزگار رفته» (چهره به چهره با ابراهیم گلستان) حسن فیاد در نشر ثالث تجدید چاپ شد. «درباره هنر شعر و شاعری» سیروس طاهباز در انتشارات نگاه انتشار یافت.

■ داستان ایرانی

«از رنجی که می بریم»، «مدیر مدرسه» و «سه‌تار» جلال آل احمد در انتشارات هرم چاپ شد. «دیو... دیو» بزرگ علوی در انتشارات بدرقه جاویدان انتشار یافت. «موسی عیسی» علی مؤذنی در انتشارات کتاب نیستان چاپ دوم شد.

«عطای پهلوان» محمدعلی علومی در انتشارات اطلاعات به چاپ دوم رسید.

«ماه به روایت آه» ابوالفضل زرویی نصرآباد در انتشارات کتاب نیستان برای پنجمین بار زیر چاپ رفت.

مجموعه داستان به هم پیوسته «ها کردن» پیمان هوشمندزاده در نشر چشمه برای سیزدهمین بار به دست ادب دوستان رسید. «چرند و پرند» علی اکبر دهخدا در انتشارات نگاه و علمی فرهنگی به چاپ دوم رسید. مجموعه نثر ادبی «لبخند ماه» رحیم زریان در انتشارات شالان به دست ادب دوستان رسید.

معرفی کتاب

نقد و نگاهی بر مجموعه داستان «مادربزرگ پیام مرده» نوشته تیمور آقامحمدی

نوشتن بدون شعار

مهناز رضایی لاچین- بهار امسال شاهد انتشار مجموعه داستان «مادربزرگ پیام مرده» از تیمور آقامحمدی توسط انتشارات شهرستان ادب بودیم. چاپ هر کتابی، دعوت به خوانش و نقد را در پی دارد. تاکنون چندین جلسه نقد برای این کتاب در قم، همدان و مشهد برگزار شده و نقدهایی نیز بر آن نوشته شده است. آن چه در ادامه می‌خوانید یادداشت هایی بر چند داستان این کتاب است.

در داستان کوتاه «مادربزرگ پیام مرده» که عنوان مجموعه داستان نیز برگرفته از آن است، در اشاره نویسنده به دشت سترون یا سرزمین بی‌حاصل تی. اس. الیوت، به یاد می‌آوریم؛ «...که باورم نبود مرگ نابود کرده باشد این چنین عظیم / از سینه‌ها، مقطع و کوتاه «آه» برخاست...»

در بده- بستانی با وضعیت گندم‌زارهای به تیغه داس بریده و به آتش کشیده و... بازی پسربچه‌ها در گندم‌زاری از گندم‌های تازه و زرد، که گویی از چشم دور مانده و هنوز در بادی می‌رقصند و... انتهای نگاه که از گندم‌زار تا آسمان و ابرهای سپید می‌رسد،... همه و همه دانه‌هایی هستند که مخاطب در جریان خوانش به نخ می‌کشد، تا بی‌نیاز از داده‌های غیرلازم، خود به اندیشه و نگاه حاکم در داستان (به واسطه معلم) دست یابد.

*

در داستان «زنم می‌خواهد کمی بمیرد» حشره‌ای ناچیز که در ذهن عادت‌زده با فاضلاب و زباله، کنار به کنار می‌آید، تلاش توقف‌ناپذیر خود را برای صعود از تپه (مانع) به نمایش می‌گذارد، چاله پر از روغن یا هر «کوفت» دیگری را دور می‌زند و پس نمی‌نشیند و در تمام مدت داستان که سرباز چیزها را- مش حبیب را- به تردید نگاه می‌کند و به غلط می‌فهمد و در تمام مدتی که همسر مرضیه در مشکل خود دست و پا می‌زند و عاقبت از کنار چاره مشکلش، سهل‌انگارانه می‌گذرد، این حشره است که با تمام بی‌ادعایی خود در برابر اشرف مخلوقات، مسیر دشوار را مصمم پشت سر می‌گذارد و بهترین جای ممکن را برای آغاز حیات نسل بعد، پیدا- انتخاب- می‌کند. این نمونه نگاه خلاق نویسنده و حاصل درک دردمندانه و کنش اعتراضی اوست که بدون شعار و ادا عرضه می‌شود؛ فرشی زیر پا پهن می‌کند تا بر تار و پود آن دست بکشی و....

در داستان «شرکت در یک قتل دسته جمعی» نگاه نویسنده به زبان، از دریچه فلسفه پست‌مدرن و قاعده عدم قطعیت برمی‌خیزد. جمله‌ها گاه از روانی و سادگی فاصله می‌گیرند، گره می‌افتند و غامض می‌شوند و تعابیر «پیچاپیچ» بودن، «هجوم و گریز از زبان به زبان»، عبور از شیشه مات و دبه‌ای که نیمی پنهان و نیمی پیداست و بالاخره تعریف ویژگی‌های فیزیکی مقتول که به سلیقه مخاطب واگذار می‌شود... مؤید همین رویکردند.

عدم قطعیت به زمان و مکان و افسانه و تاریخ هم سرایت داده می‌شود. چندگانگی و نیز پاره‌پاره کردن واقعیت و باز چسباندن آن و ایجاد امکان جابجایی در نقش‌پذیری قاتل و مقتول، معصومیت و جنایت پیشگی، افسانه و تاریخ در نام بردن از آژی دهاک و فریدون و... حتی انتقال این نقش‌ها به نویسنده و مخاطب، این نگاه را قوت می‌بخشد هرچند پایان ناگهانی این دامنه وسیع را تنگ می‌کند و داستان را از قدرت می‌اندازد.

در نگاهی کلی، نویسنده دغدغه‌های اجتماعی- سیاسی خود را به گونه‌ای نمادین عرضه می‌کند، همان‌قدر که به گرایش مینی‌مالیستی خود برای موجزنویسی وفادار می‌ماند.

وی حس را تعریف نمی‌کند، بلکه زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن دقیق شویم و آن را به تعبیر درآوریم؛ مثلاً این که معلم در داستان شاخص «مادربزرگ پیام مرده»، از قرار دادن دستش در جریان باد و از طبله شدن پوستش لذت می‌برد، بی آن که خود را به دل خطر بزند؛ مقایسه کنید با بادی که در گندم‌زار می‌افتد و گندم‌ها را خم و راست می‌کند. به طور کلی در اکثر داستان‌ها گرایشی به تجربه‌گرایی در فرم دیده می‌شود؛ برای نمونه تقطیع داستان‌های موازی و ساختن کلاژی از آن تکه‌ها، بی‌آن که برای ایجاد بستر انتقال سهل از یک صحنه به صحنه دیگر، نگران ایجاد حلقه‌های عاطفی -حسی باشد.

در آخر نیز باید گفت که در اولین مواجهه با داستان‌های تیمور آقامحمدی درمی‌یابیم که با نویسنده‌ای صبور و نگاهی دقیق روبه‌رو هستیم؛ نویسنده‌ای که بدون دست و پا زدن در میان داستان و عوامل سازنده آن، با خونسردی و آرامش، بیش از آن که حرف بزند، خواننده را به صحنه می‌کشاند.

پیک ادبیات

تجلیل از قزوه در جشنواره «رسول آفتاب»

مراسم اختتامیه پنجمین جشنواره فرهنگی «رسول آفتاب» عصر چهارشنبه (۹ دی ماه) در حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش مهر، در این مراسم رحیم مخدومی دبیر جشنواره در سخنانی با اشاره به برگزاری این دوره از جشنواره در پنج بخش، عنوان داشت: در این دوره هزار هنرمند و نویسنده از کشورهای مختلف آثار خود را برای داوری به دبیرخانه فرستادند و ما داوری‌مان را به صورت ویژه برای هنرمندان داخلی و خارجی انجام دادیم.

در ادامه این مراسم از دو عنوان کتاب شامل «حرف‌های در گوشی» که در برگیرنده برترین داستان‌های کوتاه دوره پنجم جشنواره است و مجموعه ۱۰ جلدی «شاخص‌های امام» اثر محمد اسماعیل‌زاده رونمایی شد. جشنواره «رسول آفتاب» در ادامه به تجلیل از برگزیدگان این دوره خود پرداخت. در بخش چهره‌های سال از حسین عبادپور عکاس، مازیار بیژنی کاریکاتوریست، احمد شاکری نویسنده، غلامعلی انسائی خاطره‌گو و علیرضا قزوه شاعر تجلیل شد. در بخش داستان مریم مقامی نفر سوم، محمدجواد سرامی نفر دوم و محمد خدادوست به عنوان نفر اول تجلیل شدند. در بخش شعر محمدحسین ملکیان به عنوان نفر سوم، محمد زارعی به عنوان نفر دوم و قاسم بای به عنوان نفر اول تجلیل شدند. جشنواره «رسول آفتاب» همچنین از خانواده شهید مهدی مطلبی، شهید سید محمد رحیمی، شهید حسین همدانی و مرحوم غضنفر رکن‌آبادی تجلیل کرد.

«جشن یگانگی» محدثی خراسانی منتشر می‌شود

مصطفی محدثی خراسانی خبر از انتشار جدیدترین کتابش با نام «جشن یگانگی» توسط انتشارات شهرستان ادب داد. مصطفی محدثی خراسانی از شاعران کشورمان در گفت‌وگو با فارس، درباره فعالیت‌های اخیرش گفت: انتشارات شهرستان ادب به زودی کتابی از جدیدترین مجموعه شعرهایم را منتشر خواهد کرد. وی افزود: این کتاب «جشن یگانگی» نام دارد و شعرهای چند سال اخیرم که در قالب‌های غزل و دوبیتی و رباعی و ترانه سروده شده‌اند، در این کتاب گردآمده‌اند. این شاعر درباره زمان انتشار این کتاب اظهار داشت: این کتاب را برای گرفتن مجوز به وزارت ارشاد فرستاده‌اند و گمان می‌کنم تا آخر سال منتشر شود. محدثی خراسانی درباره آخرین کتابی که خوانده است، هم گفت: مدت‌ها است که نتوانسته‌ام کتابی را به طور کامل بخوانم و غالبا کتاب‌ها را برای حضور در جلسات نقد و بررسی تا حدودی می‌خوانم اما حضور ذهن ندارم تا کتاب جدیدی را معرفی کنم. وی درباره آخرین شعری که گفته است، هم اظهار داشت: آخرین شعرم را در واکنش به فاجعه منا سرودم که یک رباعی است:

وقتی عرفات خالی از عرفان است
رمی جمرات وادی شیطان است
حج تو جهاد است زمانی که حرم
در تولیت آل ابوسفیان است

بزرگداشت خاندان وصال شیرازی برپا شد

مراسم بزرگداشت خاندان وصال شیرازی همراه با نمایشگاه آثار هنری خاندان وصال برگزار شد.

به گزارش ایسنا، بر اساس گزارش رسیده، این مراسم با حضور نویسندگان، پژوهشگران و هنرمندان در مرکز اسناد و کتابخانه ملی مرکز فارس برگزار شد. کوروش کمالی سروستانی- رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی مرکز فارس- در این مراسم با موضوع «خاندان وصال؛ خاندان فرهنگی شیراز» سخن گفت که متن صحبت‌هایش در پی می‌آید:

«مرا نه طالع سعد است و نه اتابک سعد
خدا نخواست که خیزد دو سعدی از شیراز

شاید اگر اشاره مرشد بزرگوار و عارف ربانی، میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی، به میرزا کوچک نبود، نخستین تخلص "محمد شفیع" که "مهجور" بود، بر این خاندان می‌ماند، اما به اشاره سکوت، دوره مهجوری به سر آمد و میرزا کوچک "وصال" را برای تخلص خود برگزید.

زاده زندیه، در روزگار قاجاریه به همه هنرهای زمان آراسته شد. به گونه‌ای که فتحعلی‌شاه قاجار در سفر شیراز چون نسخه قرآن او را که خوشنویسی، تذهیب، صحافی، تجلید و نقاشی اش را همه خود انجام داده بود، دید، گفت: "جناب وصال، اسراف کمالات نموده‌اند" و فرمان مقرری داد و از آن پس بود که همه پسران هنرمند وصال از دولت مستمری دریافت کردند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی شرکت عمران و توسعه گردشگری گلستان بینالود (سهامی عام)

جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه ۱۳۹۴/۱۰/۲۴ در محل دفتر شرکت واقع در مشهد- مجتمع مسکونی زیست خاور طبقه دوم واحد ۲۰۷ تشکیل می شود. بدین وسیله از سهامداران محترم و یا وکلا و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می شود در این مجمع شرکت فرمایند.

دستور جلسه عبارتست از:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت
۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود وزیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۶/۳۱
۳- انتخاب اعضای هیات مدیره، تعیین بازرس اصلی و علی البدل و حق الزحمه ایشان
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۵- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشید.

همراه داشتن کارت شناسایی معتبر به منظور حضور در جلسه الزامی است.

هیئت مدیره

م/۹۴۴۱۷۰۲۵ ب

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

این شرکت در نظر دارد نسبت به خرید، نصب و راه اندازی ۱۰ دستگاه آسانسور و ۶ دستگاه پله برقی مورد نیاز، با حداقل ۵۰٪ تهاتر اقدام نماید. متقاضیان می توانند حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۴/۱۰/۲۶ نسبت به ارائه تصویر مصدق اساسنامه و آخرین تغییرات، رزومه، کاتالوگ های مربوط به کارخانه سازنده و مشخصات فنی کامل محصول و مستندات مرتبط با مفاد بند الف و ب فصل ۴ تصویب نامه ۱۸۴۱۳۶ت ۳۳۵۶۰ ه مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۶ هیئت محترم وزیران به آدرس: مشهد، بلوار قرنی ابتدای مجد شمالی، ساختمان فروردین طبقه ۴ واحد ۵۰۴ اقدام نمایند. ضمنا تلفن

۰۵۱-۳۷۲۳۳۹۱۰-۴

داخلی ۱۱۹ و ۱۱۶

پاسخگوی سوالات می باشد

شرکت عمران و نوسازی مجد مشهد

م/۹۴۴۱۷۸۵۲ ف

فراخوان عمومی ارزیابی کیفی پیمانکاران رشته راه (۹۴/۵م) سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی (نوبت دوم)

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی در نظر دارد پروژه اجرای عملیات خاکی و خیابان‌کشی مجتمع دامپروری شهرستان خواف با مبلغ برآوردی ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال را از طریق مناقصه عمومی با انجام ارزیابی کیفی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از پیمانکاران واجد شرایط (رشته راه پایه ۵) دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی به همراه معرفینامه یا مهر شرکت از تاریخ ۹۴/۱۰/۷ لغایت ۹۴/۱۰/۱۴ در ساعات اداری به آدرس مشهد مقدس تقاطع بلوارخیام و فردوسی- سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی طبقه ششم اتاق ۶۰۵- امور پیمانها و قراردادهای سازمان (تلفن ۰۵۱۳۷۰۱۶۶۰۶-۳۷۰۱۶۶۰۵) و یا به سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir مراجعه نمایند. سایر توضیحات: پس از انجام ارزیابی کیفی و تعیین مناقصه‌گران واجد شرایط سایر اطلاعات (محل و مهلت دریافت اسناد مناقصه و ...) کتبا به اطلاع ایشان خواهد رسید.

هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

ا/۹۴۴۱۲۳۶۹

«آگهی مزایده»

شرکت شهد ایران (سهامی عام) در نظر دارد:

۱- ششدانگ یک بلوک مسکونی (شماره ۱) از مجموع تعداد ۵ بلوک مسکونی یک مجتمع به مشخصات مندرج در بند ۲ آگهی که این مجتمع واقع در یک قطعه زمین با کاربری مسکونی آپارتمانی براساس طرح آماده سازی و پلان معماری و توده گذاری به شماره قطعه ۳ از بلوک E به مساحت تقریبی ۵۴۹۶/۱۰ مترمربع از ۳۰ فرعی از ۲۳۶ اصلی بخش ۷ مشهد به مالکیت شرکت شهد ایران در شهر جدید گلبهار، بلوار عدالت، محله بهارستان، بلوار جامی بین جامی ۱۳ و ۱۵ (مجتمع مسکونی شهد ایران) را با رعایت کلیه مقررات به شرح مختصر ذیل از طریق مزایده کتبی بر مبنای قیمت پایه به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (ده میلیارد) ریال بصورت نقد و اقساط به فروش برساند.

۲- بلوک مورد نظر در نبش بلوار جامی و حاشیه جامی ۱۳ واقع شده و دارای ۱۵ واحد ۱۰۰ متری در ۴ طبقه بانضمام زیرزمین و یک واحد ۶۰ متری در همکف با مجموع زیربنای کل ۲۰۰۰ مترمربع است. سازه اسکلت فلزی با بادبند، نما ترکیب سنگ و آجرسفال سه سانتیمتری، دارای فضای تعبیه شده برای آسانسور (فاقد آسانسور)، محوطه سازی کامل شده، دیوارکشی به ارتفاع متوسط یک متر با نمای سنگ بادبر و دارای قرنیز بتنی می باشد. واحدهای موجود در طبقات هر کدام به مساحت حدود ۱۰۰ متر مربع دارای ۲ خواب، کف سرامیک، درب ورودی چوبی، درب اتاقها چوبی، دربهای تراس و پنجره ها آلومینیوم، کلیه واحدها فاقد کابینت آشپزخانه و رادیاتور و نقاشی و کولر آبی می باشند. واحدها دارای انشعاب آب و برق و گاز مستقل و یک انباری در زیرزمین بوده و حق استفاده از پیلوت مشاعی را دارا می باشند. لازم به توضیح است که بلوک مذکور شامل شانزده واحد مسکونی بصورت یکجا قابل واگذاری خواهند بود.

۳- خریداران محترم می توانند از تاریخ ۹۴/۱۰/۱۲ (اولین روز درج این آگهی) لغایت تاریخ ۹۴/۱۰/۲۵ (چهارده روز پس از درج آگهی)، اولا جهت رویت اسناد مربوطه به نشانی ذیل این بند مراجعه کنند و ثانیا با واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۴۰۰۰/۲۵۸۴۳ نزد بانک تجارت شعبه مرکزی مشهد پیشنهاد کتبی معتبر و مستند کامل خود را به انضمام فیش پرداختی به نشانی مشهد کیلومتر ۵/۵ جاده مشهد- قوچان، دفتر مرکزی شرکت شهد ایران ارائه دهند و رسید دریافت دارند.

۴- بازگشایی پاکتها ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۹۴/۱۰/۲۶ (روز پانزدهم از تاریخ آگهی) در نشانی مذکور خواهد بود و برنده تعیین و صورتجلسه مزایده تنظیم و امضاء می شود.

۵- سپرده خریداران اول تا سوم تا انعقاد مبایعه نامه کامل باقی می ماند تا اگر خریدار اول ظرف پنج روز از تاریخ و آخر وقت مقرر در بند سوم مبایعه نامه را امضاء نکرده باشد سپرده اش ضبط و متعلق به فروشنده خواهد بود و حق هیچگونه اعتراضی نخواهد داشت و همزمان خریدار بعدی (دوم) برای انعقاد مبایعه نامه دعوت می گردد. این قاعده مقبول کلیه خریداران بوده و لازم الرعایه می باشد.

۶- فروشنده حق انصراف، فسخ و الغاء این مزایده یا حق رد و یا قبول هر پیشنهاد خرید را تا قبل از امضاء صورتمجلس مزایده و انعقاد مبایعه نامه کامل پیرو آن را برای خود محفوظ می دارد و مختار و محق است که بنا به تشخیص خود از آن استفاده کند. در این صورت وجوه خریداران محترم ظرف ۲۴ ساعت به نحو مطمئن پرداخت می گردد.

۷- پیشنهادات خرید فاقد سپرده کامل، مخدوش، مبهم، مشروط و ناقص و خارج از موعد غیر معتبر و مردود خواهد بود.

۸- خریداران محترم برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با تماس با تلفن های ۳۶۵۱۴۳۰۰-۰۵۱ و همراه ۰۹۱۵۳۱۱۵۲۲۸ آقای موسوی در ساعات اداری ایام غیرتعطیل به نشانی شرکت به شرح مرقوم در بند سوم این آگهی مراجعه نمایند.

شرکت شهد ایران (سهامی عام)

ا/۹۴۴۱۷۰۶۳

بازار محله
ویژه نامه تبلیغاتی در تمامی مناطق شهر مشهد
ویژه منطقه پنج :
بهار، خسروی، امام رضا(ع)، امام خمینی(ره)، کوشش، صبا، سیدی، شهرک اوذر، نخریسی، ۱۷ شهریور، عملی، ۲۲ بهمن، طلاب، وحدت، کشاورز، طبرسی، ساختمان، پنج تن
ویژه منطقه شش :
ابوطالب، کوی امیرخیام شمالی، راه آهن، رسالت، جاده کلات، جاده سیمان، خواجه ربیع، قرنی، عامل، گاز
بولوار ارشاد - نرسیده به چهارراه ششصد دستگاه
پلاک ۱۶ - ساختمان شماره ۳ روزنامه خراسان
تلفکس: ۱۱ ۵۹ ۳۷۶۳ ۰۵۱
مدیر ویژه نامه: فیروز خسروانی ۰۹۱۵ ۱۱۱ ۸۰۰۰
ضمیمه رایگان امروز خراسان
م/۹۴۴۱۸۱۶۴

در محضر صبح

غلامعلی حدادعادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تازگی در واکنش به آلودگی بی سابقه هوا در تهران و دیگر کلان شهرها شعری سروده است.

***

باران ببار بر من و شهر و دیار من
باران ببار بر من و باغ و بهار من
باران بشوی دود و دم از آسمان شهر
باران ببر غبار غم از روزگار من
باران چرا ز خانه ما پا کشیده‌ای
ای یار بی تکلف پیرار و پار من
دیری ست دور مانده‌ام از چکه چکه‌ات
باز آی و ساعتی بنشین در کنار من
باران به چشم روشنی من نیامدی
کی می رسد به سر این انتظار من
باران مهربان ز چه نامهربان شدی
آبی بزن به جان و دل پر شرار من
مُردم بدان امید که آیی به دیدنم
«ای وای بر من و دل امیدوار من»
باران مرا ز قحطی دیرینه وارهان
بشکن طلسم تشنگی ناگوار من
باران نشسته‌ام که ببینم چه می کنی
با خوشه‌های تشنه لب کشتزار من
وارونگی است قسمت این بخت واژگون
آلودگی ست دغدغه و خار خار من
باران شب فروز سحرزاد من ببار
ای چلچراغ روشن شب‌های تار من
ای آن که در لطافت طبعت خلاف نیست
ای میهمان ساده دل بردبار من
ای بادا گر نیایی و باران نیاوری
بر باد می رود هنر و ابتکار من
مَردُم در انتظار، طبیعت در انتظار
این است شرح قصه شهر و دیار من

فخرالدین عراقی

من مست می عشقم هشیار نخواهم شد
وز خواب خوش مستی بیدار نخواهم شد
امروز چنان مستم از باده ی دوشینه
تا روز قیامت هم هشیار نخواهم شد
تا هست زنیک و بد در کیسه ی من نقدی
در کوی جوانمردان عیار نخواهم شد
آن رفت که می رفتم در صومعه هر باری
جز بر در میخانه این بار نخواهم شد
از توبه و قرایی بیزار شدم، لیکن
از رندی و قلاشی بیزار نخواهم شد
از دوست به هر خشمی آزرده نخواهم گشت
وز یار به هر زخمی افگار نخواهم شد
چون یار من او باشد، بی یار نخواهم ماند
چون غم خورم او باشد غم خوار نخواهم شد
تا دلبرم او باشد دل بر دگری ننهم
تا غم خورم او باشد غمخوار نخواهم شد
چون ساخته ی دردم در حلقه نیارامم
چون سوخته ی عشقم در نار نخواهم شد
تا هست عراقی را در در گه او باری
بر در گه این و آن بسیار نخواهم شد

فاضل نظری

دیدن روی تو در خویش زمن خواب گرفت
آه از آیینه که تصویر تو را قاب گرفت
خواستم نوح شوم، موج غمت غرقم کرد
کشتی ام را شب طوفانی گرداب گرفت
در قنوتم ز خدا «عقل» طلب می کردم
«عشق» اما خبر از گوشه محراب گرفت
نتوانست فراموش کند مستی را
هر که از دست تو یک قطره می ناب گرفت
کی به انداختن سنگ پیاپی در آب
ماه را می شود از حافظه آب گرفت؟!

سعید بیابانکی

غم درون سینه‌ام یکباره شور انداخته است
کودکی سنگی در این حوض بلور انداخته است
کاش با ته جرعه‌ای جان مرا روشن کند
او که در پرستو شراب از جنس نور انداخته است
مثل مینا گر چه دست افشان به بزمش بوده‌ام
او مرا از جرعه نوشیده است و دور انداخته است
من کجا کی می رسد دستم به آن بالا بلند
او که دوشش کوه‌ها را از غرور انداخته است
شب به قصد صید تنها سکه‌ی این آسمان
هفت جای کهکشان رندانه تور انداخته است
با تنی آکنده از زخم و دلی لبریز داغ
زندگی ما را میان آب سور انداخته است
بشکند دستی که خورشید فروزان مرا
چیده است از آسمان و در تنور انداخته است.

نجمه زارع

لکنت شعر و پریشانی و جنجال دلم
چه بگویم که کمی خوب شود حال دلم
کاش می شد که شمانیز خبردار شوید
لحظه‌ای از من و از درد کهنسال دلم
از سرم آب گذشته‌ست مهم نیست اگر
غم دنیای شما نیز شود مال دلم
عاشق نان و زمین نیستم این را حتما
بنویسید به دفتر چه‌ی اعمال دلم
آه! یک عالمه حرف است که باید بزنم
ولی انگار زبانم شده پامال دلم
مردم شهر! خدا حافظتان من رفتم
کسی از کوچه‌ی غم آمده دنبال دلم.....